



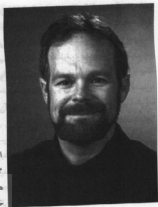
شعر

کریستوفر مریل

چهره درخشان شعر امروز آمریکا

گفت‌وگویی فریده حسن‌زاده (مصطفوی) با کریستوفر مریل

Christopher Merrill



شاعر مترجم، خبرنگار
استاد ادبیات و
ریاست انجمن
بین‌المللی شعر آمریکا

اشدایی من با کریستوفر مریل با خواندن مقاله معروف او نقش شاعران و نویسندگان در عصر استیلای رسانه‌های گروهی، شروع شد که در نشریه تخصصی *Poetry Review* به چاپ رسیده بود. این مقاله که در اوج جنک بوستنی و هرگزونی منتشر شد، در عین بررسی جنک در همه ابعاد آن، نگاه و زمانی بسیار شاعرانه داشت. مریل به عنوان خبرنگار جنگی، داوطلبانه در بوستنی حضور یافته و مشاهدات خود را به رشته تحریر کشیده بود. به اعتقاد او، اما هیچ عذری برای جردن در نقش ناظر و گریختن از وظیفه خود به عنوان شاهد ندارد؛ زیرا در عصر تلویزیون دیگر هیچ‌کس نمی‌تواند بی‌گناه بماند و رسماً مخالفت خود را با امر نیالیسم ابراز می‌کند: «من به عنوان شاهد عینی چنین وقایع هولناک و تکان‌دهنده، موظف به همان‌کار شغورم که مردمان بسیاری در این دنیا هستند که در برخورد با جوامع، در عرصه سیاست بین‌المللی، خود برنست، بی‌کفایت و فاقد حداقل واقع‌بینی است. ما شهادت می‌دهیم به تجدید حیات نازیسم و فاشیسم و دخالت اشتراک‌گرا در قهرتها برای آمیزش به آتش این جریان موحش... ما شهادت می‌دهیم به نابودی همه ارزشهای شناخته شده بشری». در صدد برآمدن دیگر آثار مکتوب، مریل را نیز معامله کند با بررسی سایت ویژه او متوجه شد که در دانشگاه Holy Cross تدریس می‌کند و ریاست انجمن بین‌المللی شعر را در آمریکا به عهده دارد. کتب متعددی چاپ کرده بود به نام‌های: سیاه، سفید، تب و تاب‌ها و آتش بیخار که به خاطر اثری جایزه بهترین کتاب شعر سال را از آکادمی شعرای آمریکا برده بود. به علاوه ملک‌الشعرا آمریکا بلی کالینز و نیز دیلیور، آن مریون او را چهره درخشان شعر امروز آمریکا نام نهاده بودند. کتاب‌های شعرش را دستفروش ساده و بنا خوندن آن‌ها مطمئن شدم ترجمه آن‌ها تجربه حالی را در انتشار خواننده ایرانی خواهد گذاشت. طی نامه‌ای به شاعر از او برای چاپ آثارش در ایران کسب اجازه کردم و خواستار انجام مصاحبه‌ای با او شدم. مریل در کمال تواضع از خواننده شدن آثارش در ایران اظهار خوشحالی بسیار کرده و با شوق و شور بسیار برای پاسخ دادن به پرسش‌هایم اعلام آمادگی کرد. گفت‌وگویی کتبی من با او از طریق e-mail ماه‌ها طول کشید و به‌طور مفضل به بررسی شعر امریکائیکس و سایر کشورهای جهان پرداخت. به‌علاوه چون مریل در طول مصاحبه به عنوان ریاست انجمن بین‌المللی شعر مدام ناگزیر از شرکت در جلسات شعری کشورهای مختلف بود، این مصاحبه به تجربیات زیبایی و اجتماعی او از آن کشورها اغشته شد و حجم کتابی دوپست و چند صفحه‌ای را یافت. آن چه خوانندگان عزیز گلستانه در زیر می‌خوانند، خلاصه‌ای است از بعضی بخش‌های این مصاحبه مفصل که سال آینده توسط نشر مهر به چاپ خواهد رسید.

لازم به ذکر است که ترجمه تعدادی از اشعار کریستوفر مریل در شماره ۲۸/۲۷ سال ۱۳۸۰ گلستانه همراه با اطلاعات دیگری از فعالتهای ادبی او به چاپ رسیده است.

فریده حسن‌زاده (معمطوی)، در رشته انگلیسی تحصیل کرده است. اولین کتاب شعر او در سال ۱۳۵۷ منتشر شد. مجله شعر در شماره ۲۷ تعدادی از آخرین اشعار او را با عنوان «زن‌ناشوبه‌ها» به چاپ رساند. نمونه‌های دیگری از سروده‌های وی در کتاب «زنان همیشه به همت پوران فرخزاد» و «بهارغم پنج‌دهای سسته» به انتخاب کامیار مابدی آمده است. او مادر «شاعر قاصدک‌ها و راوی آینه‌ها» صوفی و حسین مصطفوی است.

ترجمه یکی از مادرانه‌های او خطاب به دخترش صوفی به عنوان بهترین شعر رسیده در زمینه شعر (مادر - دختر) توسط انتشارات Women برگزیده شده است و در کتاب Heart's Song خواهد آمد. این شاعر به‌طور تخصصی در زمینه ترجمه شعر و زندگی‌نامه شاعران کار می‌کند و تعدادی از کتاب‌هایی که تا امروز به چاپ رسانده عبارتند از: «نامه‌ها و اشعار جزیره یازده»، «زندگی‌نامه فردریکو گارسیا لورکا، صخره اثر البوت»، «شعر آفرینای معاصر»، «شعر امریکای لاتین در قرن بیستم»، «شعر زنان جهان»، «زندگی‌نامه و برگزیده اشعار ماریتا تسوه تاپا».

آخرین کار او ترجمه اشعار یاروسلاو سایفرت، شاعر محبوب چک و برنده جایزه نوبل است که در نمایشگاه کتاب اسفند توسط مؤسسه انتشارات نگاه عرضه شد و اولین کتاب از سری عاشقانه‌های برتر جهان است. کتاب بعدی او از این سری به اشعار ادوینس اختصاص دارد.

حسن‌زاده اخیراً مسئولیت صفحه شعر نشریه انگلیسی Ways and days را برای معرفی شعر امروز ایران به آن‌سوی مرزها به عهده گرفته است.



همه شاعرانی که مرا ساختند

گفت‌وگو با کریستوفر مریل

کریستوفر مریل، شاعر و منتقد آمریکایی، در این گفت‌وگو به بررسی آثار و سبک شاعرانی که بر او تأثیر داشته‌اند، از جمله مولانا، حافظ و ناصرخان حسینی، می‌پردازد.

شعری از لاریل فرلینگزی بود بسیار علاقه داشتم. بنابراین کار من متأثر از درون‌مایه‌های هنری درجه یک و عسایمه است؛ امیسیزای از انار جمعی و هزل امیز، من هرگز نمی‌توانم به آدمی‌های عبوس که قدرت خبندنندن تعارض‌اند اعتماد کنم. منقلب از صحنه‌های جنگ و میثام که تصاویر تلویزیونی‌اش تمام سال‌های حاشین نوجوانی مرا تحت‌الشعاع قرار دادند، از هر فرصتی برای پناه بردن به جنگ‌های اطراف خانه پدری واقع در نیوجرسی شمالی و سرگردان شدن در آن‌ها سود می‌جستیم؛ به‌جنگ

شعر را چه‌گونه کشف کردید؟
نوشتن شعر و نثر را در نوجوانی آغاز کردم، در اوایل دهه ۱۹۷۰ ملهم از داستان‌های هرمان هسه و گورث ون‌گوت. نوشته‌های طنزآمیز ریچارد برانگان، اشعار ویلیام وردزورت و هرنک اوهارا و سری برنامه‌های تلویزیونی ساخت نی‌نی‌سی به نام سیرک بسیار مؤثری بی‌توان موسیقی نیز تأثیر عمده‌ای داشت. من به صفحات باب دیلن، جکسون براون و بابی ریت، نیز آهنگران محلی مانند اریک اندرسون و دویتی به نام Aztec Two - Step که نام

تغییر و تحولاتی که در دهکده من به‌صورت یکی از مهم‌ترین شهرهای حومه نیویورک روی من داد. محیط روستا، تسلیم ناواری‌ها و نصدگرایی‌ها و آداب و رسوم شهری این احساس را در من به وجود می‌آورد که چیزی با ارزشی در شرف نابود شدن است. به خصوص که هم‌زمان، همسایه‌های قدیمی‌تر من برای جنگ به هند و چین اعزام می‌شوند و خوب یادم است که یکی از آن‌ها به شکل جسدی در کیسه پلاستیکی زبندار به خانواده‌اش تحویل داده شد. بنابراین، آتش جنگی که در دور دست‌ها شعلور می‌